خراسان روزنامه صبح ایران
سه‌شنبه ۴ آبان ۱۳۹۵ . ۲۳ محرم ۱۴۳۸ . شماره ۱۹۳۸۴

مخالفتی با اصلاح قانون کار توسط مجلس نداریم

به گزارش روزنامه کار و کارگر، هادی ابوی، دبیر کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران گفت: ما با اصلاح قانون کار مخالف نیستیم و مجلس می‌تواند به آن ورود کند؛ فقط از نمایندگان مجلس می‌خواهیم اگر خواهان تعامل و همکاری هستند، برای بررسی بهتر اصلاحیه در مجلس، از نمایندگان سایر تشکل‌ها نیز دعوت کنند و فرصت نظردهی را به آنها بدهند که این رفتار، به عدالت و عقلانیت نزدیک‌تر است.

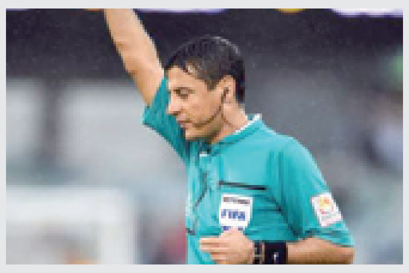

سیستمی که با ۱۰ سال تأخیر به کشورمان رسید

داوری ایران روی موج مدرنیته!

به نظر می‌رسد «داوری» ایران، همین امروز و فردا، «خم» اولین «کوچه» را رد کند و به پیچ «دوم» در عرصه داوری برسد. طبق خبری که به تازگی از فدراسیون فوتبال و البته، کمیته داوران مخابره شده، قرار است بالاخره داوران ایرانی هم به سیستم «هدست رادیویی» (گوشی رادیویی) مجهز تا از حداقل امکانات ارتباطی بین یکدیگر بهره‌مند شوند. این خبر از آن رو مهم است که الان، نزدیک به سه فصل است که گفته می‌شود تجهیزات رادیویی در اختیار داوران قرار خواهد گرفت و هر بار، به بهانه‌ای بعضاً عجیب، این سیستم‌ها به دست داوران نمی‌رسد. آخرین بهانه برای نرسیدن این سیستم‌های رادیویی به دست داوران، «جاماندن در گمرک» بود که تقریبا نزدیک به یک سال طول کشید! با این حال، مثل همیشه، جدی‌ترین مانع در این راه، همان بحث مشکلات مالی بود؛ بحثی که فدراسیون فوتبال و کمیته‌های زیرمجموعه‌اش، همواره با آن چالش درست و حسابی داشته‌اند. البته بیان کردن این بحث، به‌ویژه در یکی، دو فصل گذشته که داوران هم دارای اسپانسر شدند و نزدیک به یک میلیارد تومان در سال از اسپانسر می‌گرفتند، کمی عجیب به نظر می‌رسید. چون با توجه به مطلبی که در ادامه به آن اشاره خواهد شد، هزینه تأمین این هدست‌ها بسیار پایین‌تر از رقمی است که اسپانسر به کمیته داوران و فدراسیون فوتبال می‌دهد.

■ ۱۰ دست هدست یا ۴۰ دست؟

هرچه باشد، چه آزادشدن هدست‌ها از گمرک و چه تأمین هزینه خرید این هدست‌ها، قرار است به‌زودی داوران کشورمان هم به سیستم هدست‌های رادیویی مجهز شوند تا مگر کمی کیفیت قضاوت بالاتر برود. از قرار معلوم، همان اسپانسر معروف کمیته داوران، ۴۰ دست هدست برای داوران خریده و آن را به فدراسیون تحویل داده تا در اختیار داوران لیگ قرار بگیرد. موضوعی که در این میان هنوز علامت سؤال است، این که مشخص نشده آیا ۱۰ ست چهار هدسته خریداری شده یا این که ۴۰ ست چهار هدسته! به عبارت دقیق‌تر، مشخص نشده که آیا فدراسیون قرار است ۴۰ داور را مجهز به سیستم رادیویی کند یا اینکه ۱۶۰ داور را! آن‌طور که اعلام شده، قرار است این هدست‌ها در همین هفته، با یک برنامه مشخص در اختیار داوران قرار بگیرد و شاید بشود آن زمان پاسخ همه این سوالات را پیدا کرد.

■ و ما همچنان اندر خم همان کوچه...

حالا با توجه به همین موضوع که بالاخره داوران ایران با تأخیری ۱۰ ساله، قرار است صاحب هدست‌های رادیویی شوند، بهتر است نگاهی گذرا به دیگر سیستم‌های امروزی در اروپا شود که شاید نزدیک به ۵۰ سال دیگر زمان ببرد تا این سیستم‌ها به فوتبال کشورمان، به‌ویژه در عرصه داوری، وارد شود. جدیدترین سیستمی که لیگ‌های معتبر اروپایی و البته فیفا را مجاب به استفاده از آن کرده، سیستم تکنولوژی خط دروازه است که در جام جهانی برزیل در تمام مسابقات از آن استفاده شد. حالا هم، در لیگ‌های آلمان و انگلیس و به‌زودی، در دیگر لیگ‌های اروپایی، قرار است از این سیستم استفاده شود تا داوران مشکل کمتری داشته باشند و در نهایت، تنش کمتری هم در بازی‌ها ایجاد شود. این سیستم که با هفت دوربین پیشرفته کار می‌کند، از سه زاویه لحظه برخورد توپ با زمین را مشخص می‌کند و در نهایت، به‌سادگی نشان می‌دهد که توپ از خط دروازه گذشته است یا خیر. موردی که همه فدراسیون‌های دنیا را راغب به استفاده از این سیستم نمی‌کند، فعلا هزینه بالای آن است.

هر ورزشگاهی که بخواهد به این سیستم مجهز شود، نیاز به بودجه‌ای بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار یورو دارد؛ به عبارتی بودجه‌ای نزدیک به یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان. در اینکه این سیستم برای ورزشگاه‌های ایران هزینه زیادی است، هیچ تردیدی نیست؛ در ایران هنوز سیستم پخش اچ‌دی مسابقات کامل نشده و بسیاری از ورزشگاه‌ها، همچنان مسن هستند که باید عطای هرگونه حرکت مدرنی را به لقایش بخشید. با این حال، شاید بد نباشد برای یک بار هم که شده، در آوردن یک سیستم مدرن به فوتبال پیش‌دستی کرد؛ درست است که هم این موضوع هزینه‌بر است و هم هر ورزشگاهی امکانش را ندارد، ولی حداقل برای دلخوشی هم که شده، می‌توان ورزشگاه آزادی را به این سیستم مجهز کرد؛ آن هم با استفاده از این بند که هم این ورزشگاه درآمدزا است و هم میزبان بازی‌های تیم ملی کشورمان. ضمن این که، نباید این موضوع را هم فراموش کرد که لیگ‌های اروپایی، در حال حاضر، در پی تست کردن سیستم کاملا تازه‌ای هستند. در واقع آنهایی که به سیستم تکنولوژی خط دروازه مجهز هستند، قرار است از این سیستم برای کنترل خط آفساید «Auto Offside» هم استفاده کنند تا از این پس، تردیدها درباره آفساید بودن یا نبودن یک بازیکن هم به‌طور کامل برطرف شود. حالا با توجه به میل کندی که ایران به تکنولوژی داوری دارد، به نظر می‌رسد یک قرن طول بکشد تا پای چنین سیستمی به ایران باز شود!

گفت‌وگو با رئیس مرکز آمار ایران

همه چیز از همان دیدار شروع شد

در روزهایی که کمیته سرشماری نفوس و مسکن، خود را آماده برگزاری بزرگ‌ترین رویداد آماری کشور می‌کرد، رهبر انقلاب در ۲۳ شهریورماه، در دیداری با اعضای این کمیته، آمار و اطلاعات دقیق را، پایه اصلی تصمیم‌گیری کارآمد دانستند و همچنین، بر حفظ جنبه محرمانه بودن اطلاعات مردم تأکید کردند. بر همین مبنا و همزمان با روزهایی که سرشماری حضوری ۱۳۹۵ در جریان است، پایگاه دفتر حفظ و نشر آثار رهبر انقلاب، گفت‌وگویی با جناب آقای دکتر امیدعلی پارسا، رئیس مرکز آمار ایران، درباره اهمیت آمار دقیق و سرشماری ۱۳۹۵ انجام داده است.

می‌دانیم که پایه اصلی تصمیم‌گیری کارآمد در هر کشوری، داشتن آمار دقیق و متمرکز است. سوال آن است که چگونه به چنین اطلاعاتی می‌توان رسید؟

اگر بخواهیم درباره موضوعی تحلیل مناسب و صحیح داشته باشیم، لازم است ویژگی‌هایی را کسب کنیم. نخستین ویژگی، جامع‌نگری و تمرکز در سیاست‌گذاری و عدم تمرکز در اجرا است. وقتی به آمار می‌رسیم، لازم است در قدم اول، تعاریف و مفاهیم‌مان یکسان باشد. ضمن این که دانش و تجربه بشر، در زمینه آمار، در نقاط دیگر دنیا نیز وجود دارد و می‌توان از آن‌ها نیز استفاده کرد. به‌طور مثال در حوزه آمار، نهادی تحت عنوان UNSD که بخش آمار سازمان ملل است، تعاریف و مفاهیم آماری را در حوزه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سطحی پیشرفته بیان کرده است. برای هرگونه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در کشور نیز، طبعا به آمار بهنگام، قابل اعتماد، تعمیم‌پذیر و قابل مقایسه نیاز داریم. اساساً، برای این که این ویژگی‌ها رعایت شود، نهادی به نام «مرکز آمار» تشکیل می‌شود. این نهاد مانند اداره استاندارد که متولی کنترل کیفیت محصولات است، متولی استاندارد و نظارت بر آمار کشور است. سرشماری در حقیقت، مبنای همه سیاست‌ها و طراحی‌هاست. ما اگر اطلاعات مربوط به سرشماری را نداشته باشیم، اولین ابزار سنجش جامعه را نداریم. سرشماری در حقیقت، لیست حاضران جامعه است. بر مبنای همین لیست هم طراحی‌ها و سنجش‌های دیگر صورت می‌گیرد. سیاست‌گذار و برنامه‌ریز جامعه، برای اطلاع از فهرست جامعه و نحوه پراکندگی جنسی، سنی و جغرافیایی، به اطلاعات سرشماری نیاز دارد، پس نیاز به سرشماری، نیازی تمام نشدنی است و همواره باید صورت بگیرد. حال اگر بخواهیم در زمینه آمار، سنجشی انجام دهیم، باید چند نکته را رعایت کنیم. نخست این که این آمار، قابل مقایسه با سایر کشورهای دنیا باشد. در وهله بعد، نیاز است واحدهای فراوان و غیرمتمرکز آماری که تولید آمار می‌کنند، توسط یک سازمان یکپارچه، تحت ساماندهی و نظم قرار گیرند. در آخر هم، اطلاعات مورد نظر سیاست‌گذار یا برنامه‌ریز، به صورت عددی استخراج شود.

در دیدار مسئولان ستاد سرشماری نفوس و مسکن با رهبر انقلاب، ایشان از اختلافات آماری در کشور با عنوان «بلایی بزرگ» یاد کردند، منشاء این اختلافات آماری چیست و راه‌حل برون‌رفت از آن کدام است؟

یکی از دلایل اختلافات آماری در کشور، نظام آماری موجود در کشور است که مبتنی است بر خوداظهاری. می‌دانید که در دنیا، سه نوع نظام آماری وجود دارد. نظام آماری خوداظهاری، که هنگامی که اطلاعات ناقص است یا وجود ندارد، از افراد سوال می‌شود و بر مبنای اظهارات خودشان سنجش انجام می‌گیرد. در دوران فعلی و با پیشرفت تکنولوژی، نظام آماری دیگری شکل گرفت که اگرچه شکل جمع‌آوری اطلاعات تغییر کرد و از وسایل ارتباطی جدید، مانند اینترنت، برای اخذ اطلاعات استفاده کرد، اما ماهیت، همان ماهیت قدیمی است. پس از این دو نظام، با پیشرفت زیرساخت‌ها، نظام آماری ثبتی-مبنایی شکل گرفته است که در آن، همه اطلاعات در همان لحظه ثبت می‌شود و دیگر نیاز به پالایش اطلاعات کاهش می‌یابد. در این نظام، اطلاعات افراد به صورت کد تحلیل و جنبه شخصی و محرمانه آن کاملا حفظ می‌شود. علاوه بر این، در این نظام، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری به شکلی دقیق انجام می‌پذیرد و سیاست‌گذاری‌های پیشین نیز، به وضوح قابل بررسی است. من در همان دیدار با رهبر انقلاب، به این موضوع اشاره کردم که ما هم اکنون، چنین نظامی نداریم و باید به سرعت به چنین نظامی نزدیک شویم که البته نیاز به زمان دارد؛ اما با مشارکت مردم و بسیج همه نهادهای مرتبط، این امر امکان‌پذیر است.

همچنین در جهان، سال‌ها و دهه‌های قبل از پیدایش مراکز آمار، بانک‌های مرکزی متولد شده بودند و آمار مورد نیاز کشورها از طریق همین بانک‌های مرکزی ارائه می‌شد، به‌ویژه اطلاعات مهم و کلیدی تورم، بیکاری، اشتغال و رشد اقتصادی. اگر برگردیم به هشتاد سال قبل، بیش از ۸۰ درصد آمار تورم، بیکاری و رشد اقتصادی توسط بانک‌های مرکزی تولید می‌شد. به مرور، مراکز جدیدی به نام مرکز آمار نیز تشکیل شد که در بسیاری از کشورها، اختیار و تمرکز لازم برای تولید آمار به این مرکز تعلق گرفت. این مرکز یا خود به امر سنجش آماری اقدام می‌کند یا از استانداردهای این مرکز برای آمارگیری استفاده می‌شود. هم اکنون، از ۲۰۳ کشور دنیا، فقط ۳ درصد آن همچنان آمار تورم خود را توسط بانک مرکزی اعلام می‌کنند. این آمار، در اعلام رشد اقتصادی کشورها توسط بانک مرکزی به ۸ درصد می‌رسد. البته این آمار تا به امروز است و هرچقدر زمان سپری شود، این آمار نیز به سمت عدد صفر نزدیک می‌شود. بنابراین، یکی از دلایل اختلاف، شاید همین دوگانگی در مرکز انتشار و ارائه آمار باشد که لازم است برای آن فکری کرد.

مشکلی که وجود دارد این است که متأسفانه، با تغییر دولت‌ها، ما شاهد اختلافات آماری بین دولت قبل و دولت بعد هستیم. منشاء این اختلافات چیست؟ آیا با تغییر دولت‌ها، شاخص‌های آماری نیز تغییر می‌کنند؟

یکی از وظایف اصلی ما، تحلیل و تفسیر اعداد به دست آمده است تا دیگران نتوانند از آن تفسیر نادرستی کنند. ما سه نوع تحلیل داریم، یک تحلیل توصیفی که در آمار مقدماتی وجود دارد، مانند جداول و نمودار آماری. نوع دوم، تحلیل تبیینی است که به بیان اجزای تشکیل دهنده آمار و سهم هریک از آنها در نتیجه به دست آمده می‌پردازد. به‌طور مثال، در امر تورم، تحلیل تبیینی به ما می‌گوید این تورم مربوط به کدام کالاها و در کدام استان‌هاست، اما به علل افزایش قیمت در آن استان‌ها نمی‌پردازد. نوع سوم، تحلیل عِلّی است که به علت و معلول می‌پردازد و در پی یافتن علت‌هاست. در بسیاری از موارد ممکن است ما به علت نرسیم یا در تخصص ما نباشد، اما باید آمار تفسیر شده را ارائه کنیم تا واضح و روشن شود و امکان برداشت نادرست به حداقل برسد. از سوی دیگر، ممکن است روش‌های آماری مختلفی وجود داشته باشد و افراد به روش‌های متفاوتی استناد کنند، مثلا در امر تورم، سه روش تورم دوازده ماهه، تورم نقطه به نقطه و تورم ماهیانه وجود دارد. ممکن است در یک لحظه، به‌طور مثال، تورم ماهیانه ۲۵ درصد و تورم نقطه‌ای ۱۵ درصد باشد؛ در واقع هر دوی این نتیجه‌ها، درست‌اند، اما روش‌ها و کارکردهای متفاوتی دارند. در این مورد، نیاز است تا ما به مردممان آموزش دهیم تا درک کنند که این تفاوت‌ها، به معنی اختلاف یا اشتباه نیست. بسیاری از این اختلافاتی که اشاره کردید، به همین اختلاف در روش‌ها مربوط می‌شود.

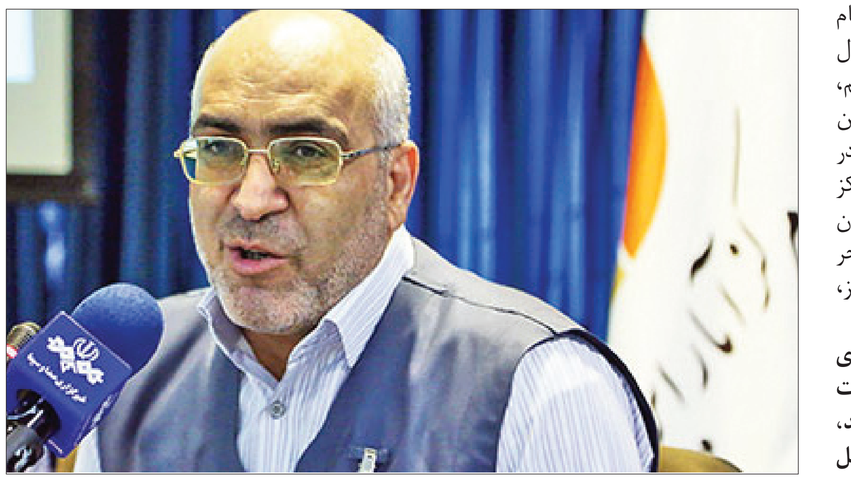

در سرشماری امسال، به کدام دسته از نیازهای اطلاعاتی کشور پاسخ داده می‌شود و نقش آن در سیاست‌گذاری کلان کشور چیست؟

در سرشماری امسال، با توجه به زمان محدودی که برای پاسخگویی در نظر گرفتیم، باید مهم‌ترین سوالات مطرح می‌شد. بنابراین، از ۶۰۰ سوال، در نهایت به ۲۹ سوال که به‌طور خاص، متمرکز بر مسئله نفوس و مسکن است، رسیدیم. یعنی رویکرد اصلی سرشماری رویکرد جمعیتی است. سوالاتی نظیر این که چه جمعیتی با چه ساختار سنی و جنسی، در کدام منطقه جغرافیایی، مستقر است؟ چه جابه‌جایی‌ها و مهاجرت‌هایی صورت گرفته است؟ چه میزان فرزندآوری وجود دارد؟ این خانوار در چه مسکنی ساکن است؟ میزان اشتغال این خانواده به چه شکل است؟ و امثالهم.

تجربه حضور مردم در نخستین سرشماری الکترونیک چگونه بوده است؟

مردم ما حقیقتا فراتر از انتظار عمل کردند. بنده قبل از آغاز سرشماری الکترونیک، در همان دیدار با رهبر انقلاب عرض کردم، انتظار ۳۵ درصد مشارکت الکترونیک مردم، انتظار خیلی ایده‌آل و بلندپروازانه‌ای است. برای درک بهتر، لازم است تا تجربه دیگر کشورها را در این زمینه در نظر بگیریم. کشورهای معمولی، در حدود ۱ تا ۲ درصد مشارکت الکترونیک در بار اول داشته‌اند. در کشورهای پیشرفته‌تر، این آمار تا ۸ درصد افزایش یافته است؛ مثلا مردم در کشوری مانند استرالیا، ۱۸ درصد مشارکت داشته‌اند. رکورد بیشترین مشارکت الکترونیک در نخستین بار هم، به ژاپن اختصاص داشت که ۳۷ درصد بود. این خیلی نکته مهمی است که مردم ما در نخستین بار، حدود ۵۰ درصد مشارکت الکترونیک داشتند. چنین مشارکتی، به نظرم دارای پیام‌های مختلفی است. مهم‌ترینش اینکه برخلاف تصور و القای رسانه‌های بیگانه، مردم عزیز ما، به مسئولان و متولیان و مجریان امر اعتماد دارند. ایمان قلبی بنده هم این است که اگر آن ملاقات ما با حضرت آقا و آن بیانات ایشان اتفاق نمی‌افتاد، قطعاً چنین همبستگی و نتیجه‌ای شکل نمی‌گرفت. در حقیقت، همه چیز از همان دیدار شروع شد. پس از آن دیدار بود که همه نهادها، نظیر شهرداری تهران، وزارت ارتباطات، صداوسیما، نیروهای مسلح، وزارتخانه‌ها، استانداران و حتی بخشداران، همه به کمک مرکز آمار آمدند و اهمیت کار را درک کردند. ما در هیچ زمان دیگری، به این اندازه اتحاد و همکاری را، از سایر نهادها، در امر سرشماری نداشتیم و بنده این را مرهون همان دیدار حضرت آقا می‌دانم. این اطلاعات، همان‌طور که رهبر انقلاب هم فرمودند، کاملا محرمانه باقی خواهد ماند. البته پیش از این هم، همین گونه بوده است. حتی گاهی اوقات برای برخی پرونده‌های خاص، بخش‌های قضایی از ما اطلاعات شخصی برخی از افراد را می‌خواستند، ولی ما هیچ‌گاه این اطلاعات را در اختیار آنها قرار ندادیم. اما این جمله رهبر انقلاب، موجب اعتماد بیشتر مردم، برای شرکت در سرشماری شد. چند روز پیش که برای افتتاح سرشماری حضوری، در یکی از محله‌های تهران حضور داشتیم، تا زمان آغاز مراسم، در پارکی همان حوالی نشسته بودیم. اتفاقا لباس فرم هم نداشتیم. دو جوان که گویا ما را شناخته بودند، نزدیک شدند و سلام و خسته نباشید گفتند. بعد هم گفتند ما اعتماد کردیم به صداقت شما و در این سرشماری شرکت کردیم. خب این نکته خیلی گرانبهاست برای ما که مردم عزیزمان، به صداقت ما اعتماد دارند. آغاز این اعتماد هم، همان‌طور که گفتم، از همان دیدار با حضرت آقا شروع شد.

گزارشی از نقش فروشی در پروژه‌های سینمایی

چند میدی نقش بگیری؟!

قطعا خیلی‌ها عاشق بازیگری هستند. خیلی‌ها، به‌ویژه جوان‌ها، دوست دارند با ایفای نقش در فیلم یا سریالی، بیشتر دیده شوند و حتی حاضرند برای رسیدن به این هدف، پول هم پرداخت کنند! اتفاقی که این روزها و چه بسا از روزهای دور، در سینما به دلالی منجر شده است! البته نمی‌توان به این جوان‌ها هم چندان خرده‌ای وارد کرد. چون از آنجا که در حالت کلی، سیستم جذب نیروی انسانی دچار نقایصی است، نحوه وارد شدن به برخی مشاغل هم از قوانین تعریف شده و استانداردی برخوردار نیست و همین می‌شود که در حوزه‌های تصویری که علاقه‌مندان زیادی دارد، مسئله‌ای به نام خرید و فروش نقش رایج می‌شود. این مسئله، البته سال‌هاست در سینمای ما رواج پیدا کرده است و کسی هم نمی‌تواند منکر آن شود. این روزها هم که دیگر رسماً علنی شده است و تحت عنوان «بازیگر اسپانسر»، در آگهی‌های تبلیغاتی، از افراد علاقه‌مند و البته مرفه، در پروژه‌های مختلف دعوت به بازی می‌شود! بدیهی است که اگر این مسئله هم مانند خیلی از مسائل دیگر نادیده گرفته شود، به جاهای بدتری کشیده می‌شود و برخی افراد که با پول و بدون داشتن سواد و تجربه کافی، وارد حوزه تصویر می‌شوند، عملکرد این حوزه را به قدری ضعیف می‌کنند که سینما مخاطبش را از دست می‌دهد.

■ نقش فروشی هست اما پنهانی!

غلامرضا موسوی (رئیس شورای عالی تهیه کنندگان سینما)، با اشاره به آگهی‌هایی که اخیرا تحت عنوان «بازیگر اسپانسر نیازمندیم» منتشر شده و از متقاضیان بازی خواسته است نقش‌ها را بخرند، توضیح داد: ما در شورای عالی تهیه کنندگان، سریعاً این آگهی مشکوک را پیگیری کردیم و به این نتیجه رسیدیم که این آگهی، مربوط به فیلم سینمایی نیست و مرتبط با یک فیلم ویدئویی است. البته هنوز روشن نیست که این فیلم ویدئویی از شبکه نمایش خانگی و ویدئویی مجوز گرفته است یا نه! طبیعتاً در این حالت، حراست معاونت سینمایی باید به این آگهی ورود و چند و چون قضیه را بررسی کند.

تهیه کننده فیلم سینمایی «جنگ نفتکش‌ها»، «بغض» و... ادامه داد: تشکیلات تهیه کنندگی و به‌ویژه شورای عالی تهیه کنندگان، همیشه مخالف نقش فروشی بوده‌اند و اگر با چنین اقدامی در این حوزه مواجه شوند، حتما به کمیته انضباطی شورای عالی اعلام می‌کنند، تا با خاطیان برخورد شود. اما این مخالفت، دلیل بر این نیست که در سینما چنین معضلی وجود ندارد. این اتفاق، البته کاملا پنهانی (بدون آگهی) رخ می‌دهد، نه آن قدر روشن و علنی. کما این که در برخی مقاطع، کسانی از این راه وارد سینما شدند و الان جزو بازیگران سرشناس هستند. موسوی خاطرنشان ساخت:

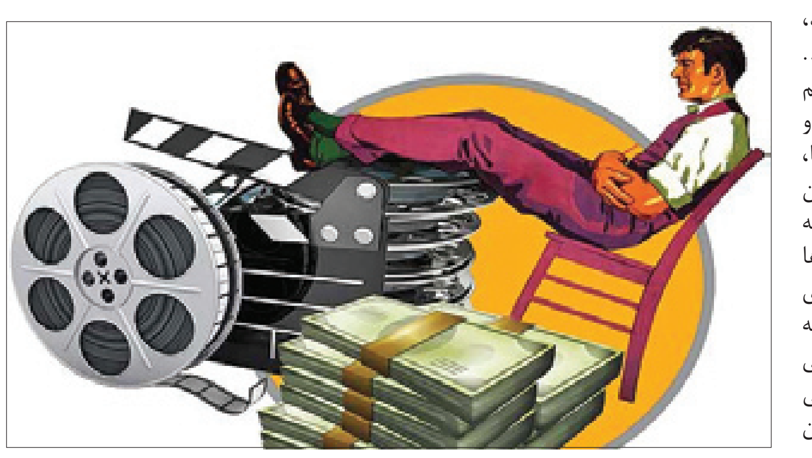

پروسه بازیگری برای چهره‌های جدید، به اشکال متداول، مثل گرفتن تست و... رخ می‌دهد. کارگردانان متبحری هم برای ساخت آثارشان آگهی می‌دهند و از بین تعداد زیادی علاقه‌مند به سینما، بهترینشان را انتخاب می‌کنند. خب این ایرادی که ندارد هیچ، کاملا درست و به قاعده است؛ اما گاهی با بعضی از نقش‌ها مواجه می‌شویم که هیچ توجیهی برای ایفای آن نیست! اگر این موضوع خیلی به اصطلاح گل درشت شود، شورای عالی تهیه کنندگان آن را به کمیته انضباطی ارجاع می‌دهد. بنابراین، راه‌های کشف این قضیه مذموم خیلی پیچیده نیست.

■ خاطره‌ای تلخ از یک سوءاستفاده

امین تارخ، بازیگر نام آشنای کشورمان، سال‌هاست آموزشگاه معتبر بازیگری دارد. او درباره نقش فروشی در سینما می‌گوید: برای مردها از حربه گرفتن پول استفاده می‌کنند و از دخترها، توقعات دیگری دارند تا آنها را به ببرند و نقشی به آنها بدهند و دست آخر نیز، از خیل عظیم مشتاقان حضور در سینمای حرفه‌ای، کسانی که با پرداخت پول وارد سینما شده‌اند، به سرعت هم از آن خارج می‌شوند و تنها خاطره تلخ یک سوءاستفاده در ذهن آنها باقی می‌ماند.

■ جلوی نقش فروشی را نمی‌گیرند!

کوروش تهامی، بازیگر سینما و تلویزیون که برای بازی در فیلم «به رنگ ارغوان» ابراهیم حاتمی کیا، نامزد سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل مرد جشنواره فجر شد، درباره نقش فروشی در سینما می‌گوید: متأسفانه سال‌هاست که شاهد نقش فروشی در سینما هستیم. همیشه وقتی فیلمی ساخته می‌شد و اطرافیان به من می‌گفتند که این نقش برای فلان آدم مناسب نیست، یا این که چرا فلانی را در این اقسام نقش‌ها می‌بینیم، جواب می‌دادم که ایراد اصلی متوجه آن شخص به خصوص نیست و باید به کسانی خرده گرفت که برای مسائل دیگری (مثل پول، رابطه و...) نقش به او محول می‌کنند. پدیده نقش فروشی، از سال‌ها پیش در سینما رایج بوده و آن‌قدر نادیده گرفته شد تا رسید به اینجا که در ملاءعام نقش فروشی می‌کنند! تاسف‌بار این که اصلا جلوی این کار گرفته نمی‌شود. بهتر است سیستم نظارتی سینما به جای پرداختن به مسائلی که راه تنفس را در سینما می‌بندد، به این مسائل حیاتی بپردازد. هم اکنون، برخی دفاتر سینمایی وجود دارد که تابلویی روی آنها نیست و با گرفتن پول، افرادی را در راه اول به عنوان هنرور جلب می‌کنند و وعده مدارج بالاتر به آنها می‌دهند! به شخصه در تمام این سال‌ها، شاهد چنین معضلاتی بوده‌ام و بارها آن را به افراد صاحب نفوذ متذکر شده‌ام، اما کسی توجهی به آن نمی‌کرد! چندین بار دیدم که به هنرور می‌گویند در کنار فلان بازیگر معروف نقشی (حتی در حد یک دیالوگ یا یک نما) به تو می‌دهیم و در عوض [illegible] و متاسفانه بودند کسانی که گول خوردند [illegible] ای کاش این سوءاستفاده‌ها فقط به پول ختم می‌شد.

بازیگر فیلم سینمایی «گناهکاران» ادامه داد: این نقش فروشی‌ها به مرور پررنگ شد و از محدوده هنرورها بیرون آمد و به نقش‌های اصلی‌تر رسید. یعنی کم کم فکر کردند که می‌شود [illegible]هایی را گرفت و نقش‌های پررنگ‌تری را واگذار کرد. این مسئله باعث شد در دوره‌هایی، حضور بعضی از افراد در پروژه‌های مختلف بیش از اندازه پررنگ شود. در حدی که مثلا یک نفر، بدون هیچ خلاقیت و نوآوری در فیلم‌های مختلف، فقط نقش عوض می‌کرد! این ماجرا ادامه یافت تا الان به جایی رسیده است که آگهی چاپ می‌کنند و تحت عنوان «بازیگر اسپانسر» پول می‌گیرند و نقش می‌دهند! واقعا جای تاسف دارد! بازیگرانی که استعداد و توانایی بازیگری دارند بیکارند و از آن طرف، نقش فروشی می‌شود! البته این را هم بگوییم آثاری که از این طریق ساخته می‌شود، معمولا آثار نازلی هستند و کسانی هم که سراغ این آگهی‌ها می‌روند نازل‌تر.

تهامی در پایان خاطرنشان کرد: سوال این جاست که وقتی با تحقیقات به منبع چنین آگهی‌های جعلی می‌رسند، چرا مجازاتی برایشان در نظر نمی‌گیرند؟ آنها را به حال خودرها می‌کنند که متنبه نمی‌شوند و دوباره همان رویه سابقشان را پیش می‌گیرند. امیدوارم با عادی شدن این پدیده، قبح آن در جامعه از بین نرود و متداول نشود.

■ بازی کردن با حیثیت همه سینماگران

احمد نجفی بازیگر سینما و مجری تلویزیون، درباره معضل خرید و فروش نقش در سینما می‌گوید: متأسفانه این موضوع در حال وارد کردن یک سری نیروی منفی به سینمای کشور است و مستقیماً با آبروی بسیاری از عوامل بازی می‌کند. من نمی‌دانم ما تا کی باید شاهد این موضوع در سینمای کشورمان باشیم. جالب اینجاست که همه ما این مسائل را می‌دانیم، اما هیچ کاری نمی‌کنیم. تنها یاد گرفته‌ایم که در رابطه با آن حرف بزنیم و به تحلیل این مسئله بپردازیم. نجفی می‌افزاید: بارها به خودمن گفته‌اند که ما حاضریم مقداری پول بدهیم تا فلان نقش را بازی کنیم. خب این یعنی بازی کردن با حیثیت همه سینماگران و بازیگران! آن وقت همه فکر می‌کنند کسانی که یک عمر در این حوزه تحصیل کرده‌اند و سال‌ها پیش، آمده‌اند و از جان مایه گذاشته‌اند، تنها به زور پول اکنون صاحب اسم و رسم شده‌اند. برخی سینما را اپولکی خطاب و از ما درخواست می‌کنند که ما هم یک کاری برای اجرای نقش آنها انجام دهیم. اما آیا این کار اصل هویت سینما را زیر سوال نمی‌برد؟ به گفته این هنرمند برخی تهیه کنندگان، کارگردانان و عوامل فیلم، به نوعی دلال شده‌اند و بی‌توجه به وظیفه‌ای که برایشان تبیین شده ممکن است، پشت پرده این کار را انجام دهند. نکته مهم‌تر این که، قبح این مسئله به قدری نادیده گرفته می‌شود که دیگر خود این عوامل فرهنگی هم به این کار عادت کرده‌اند و وقتی می‌بینند که فلانی نمی‌تواند خوب ایفای نقش کند، مقداری پول از او دریافت و مجوز بازی او را صادر می‌کنند. غافل از این که این کار، خیانت بزرگی در حق اهالی هنر است و به حیثیت سینما و کار فرهنگی لطمه می‌زند.

■ بی‌ارزش کردن جایگاه فرهنگ و هنر

ایرج راد، هنرمند پیشکسوت سینما، تئاتر و تلویزیون که سابقه بسیار طولانی در عرصه هنر دارد، نقش فروشی در تصویر را نوعی انحطاط می‌داند و می‌گوید: نقش فروشی یعنی انحطاط در اخلاق، حرفه، هنر و.... این اتفاق، دقیقاً مثل این است که آگهی بدهند به کسی نیاز داریم که به اتاق عمل برود و جراحی کند! آیا دکتر بدون تخصص و دانش داریم؟ آیا چنین چیزی در حوزه‌های دیگر امکان‌پذیر است؟ این مسائل، شوخی با فرهنگ و هنر این سرزمین و بی‌ارزش کردن جایگاه فرهنگ و هنر است. واقعا نمی‌دانم چرا؟ آیا می‌توان هنر را با پول دید و سنجید؟ می‌توان به پروژه‌ای که بازیگر انشان تنها به‌واسطه پول وارد آن شده‌اند اعتماد کرد؟ بازیگر «اجاره‌نشین‌ها»، «جعفرخان از فرنگ برگشته»، «شمعی در باد» و... ادامه داد: تبعات چنین اتفاقاتی، در فرهنگ و هنر جبران‌ناپذیر است. به نوعی خلاف اخلاق و مرامنامه اصولی فرهنگ و هنر است و فقط می‌توان تاسف خورد.

■ ۱۵۰ میلیون تومان + ...!

با وجود همه این حرف‌ها و تمام این تایید و تکذیب‌ها، خیلی‌ها علاقه‌مندند بدانند آیا واقعا نقش‌ها خرید و فروش می‌شود؟ اگر خرید و فروش می‌شود به چه قیمتی است؟ واقعیت این است که خیلی‌ها می‌گویند مثل روز روشن است که نقش‌ها را هم می‌خرند و هم می‌فروشند، اما چون قراردادی نوشته نمی‌شود و صرفاً، پرداخت پول و دریافت یک نقش مناسب در میان است، ثابت کردنش کار هر کسی نیست. اما تا آنجا که ما بررسی کردیم، قیمت یک نقش خوب، حدود ۱۵۰ میلیون است. البته گاهی برای نقش‌های استثنایی، قیمت‌ها بسیار بالاتر و حتی نجومی تعیین می‌شود. مدیر یک آموزشگاه بازیگری، درباره نقش اول شدن به هنرجویش وعده می‌دهد: اگر قیافه‌ات بهتر بود، دستم بازتر می‌شد، اما با این چهره باید خرج کنی. اگر نقش اول می‌خواهی ۱۵۰ میلیون تومان! اما تضمین می‌کنم نقشت خوب باشد! علاقه‌مندان بازیگری، بعضاً گول حرف‌های خوش آب و رنگ را می‌خورند و از هر راهی برای رفتن به سینما استفاده می‌کنند و اینجاست که پای سودجویان و فرصت‌طلبان به میدان بازیگرسازی! باز می‌شود. گاهی در خواست‌های جنسی به جای یک نقش کوتاه؛ گاهی پول زیاد و گاهی هم هر دو!

آگهی مناقصه عمومی (یک مرحله ای)
۱- مناقصه گزار: هتل قدس به نشانی میدان بیت المقدس، ابتدای خیابان شهید اندرزگو، نبش شهید اندرزگو ۲
۲- موضوع مناقصه: امور سرویس و نگهداری از تاسیسات هتل
۳- تضمین شرکت در مناقصه: یک فقره چک بانکی یا ضمانت نامه بانکی به مبلغ ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
۴- محل و مهلت دریافت اسناد مناقصه: مشهد میدان بیت المقدس، ابتدای خیابان شهید اندرزگو، نبش شهید اندرزگو ۲ هتل قدس از تاریخ درج آگهی همه روزه از ساعت ۸ صبح تا ۱۴ و حداکثر تا پایان ساعت ۱۴ روز دوشنبه مورخ ۹۵/۸/۱۰
۵- محل و مهلت تحویل پیشنهاد: میدان بیت المقدس، ابتدای خیابان شهید اندرزگو، نبش شهید اندرزگو ۲ حداکثر تا پایان ساعت ۱۴ روز پنجشنبه مورخ ۹۵/۰۸/۱۳
۶- محل و زمان بازگشایی پیشنهادات: تهران خیابان کریم خان زند خیابان ایرانشهر بعد از چهارراه اراک پلاک ۱۳۷ ساعت ۱۱ صبح روز شنبه مورخ ۹۵/۸/۱۵
از کلیه متقاضیان واجد صلاحیت دعوت می گردد با همراه داشتن مدارک سوابق کاری در تاریخ تعیین شده به واحد اداری هتل مراجعه نمایند.
جهت کسب اطلاعات با شماره ۹-۳۲۲۱۲۲۲۷-۰۵۱ واحد اداری تماس حاصل گردد.
۹۵۲۳۲۳۹۹/ ف

آگهی
در اجرای قانون الحاق موادی به قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن ، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی شهرستان تایباد در نظر دارد از تاریخ ۹۵/۹/۱ در پلاک اصلی شماره ۱۲۵ بخش ثبتی ۱۴ شهرستان تایباد بخش مرکزی شهر باخرز نسبت به تهیه نقشه تفکیکی اقدام نماید ، لذا بموجب بند (ب) ماده ۲ آئین نامه اجرایی قانون فوق الذکر جهت اطلاع صاحبان حقیقی و حقوقی آگهی می گردد که ۲۰ روز پس از انتشار آگهی با در دست داشتن مدارک مستند در محل حاضر و نسبت به معرفی محدوده مالکیت متصرفی خود اقدام و همکاری لازم معمول دارند .
بنیاد مسکن انقلاب اسلامی تایباد
۹۵۲۳۲۳۳۲/ ش

www.Rasad.org
پایگاه تحلیلی دفتر پژوهش روزنامه خراسان
تحلیل‌های روز را رصد کنید

آگهی تمدید مناقصه عمومی شماره ۹۵/۱۴ (دو مرحله‌ای)
شرکت توزیع نیروی برق شهرستان مشهد (سهامی خاص)
Mashad Electric Energy Distribution Co.
بدینوسیله مراتب تمدید مناقصه عمومی (دو مرحله ای) شماره ۹۵/۱۴ با موضوع خرید کنتورهای تکفاز الکترونیکی و قاب کنتور به همراه متعلقات را به اطلاع می رساند. داوطلبان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به آدرس های ذیل مراجعه نمایند.
۱- سایت معاملات توانیر www.tavanir.org.ir
۲- پایگاه ملی مناقصات http://iets.mporg.ir
۳- وب سایت شرکت توزیع نیروی برق شهرستان مشهد www.Meedc.ir
۴- مشهد- بلوار خیام- شرکت توزیع نیروی برق شهرستان مشهد- امور تدارکات- اداره خرید کالا- تلفن: ۳۷۶۸۱۰۶۷-۰۵۱
روابط عمومی
شرکت توزیع نیروی برق شهرستان مشهد
۹۵۲۳۳۴۷۱/ آ

ماجراهای شیرین و پندآموز در ستون حکایت
هر روز در صفحه «همشهری سلام»

طرح مسکن طلاب
در نظر دارد اجرای کانال کولر پروژه را جهت ۵۲۸ واحد مسکونی به مناقصه بگذارد. علاقه مندان از روز شنبه مورخ ۹۵/۸/۸ لغایت ۹۵/۸/۱۴ در ساعت اداری به آدرس: مشهد، قاسم آباد، حسابی جنوبی ۱۱ دفتر طرح مسکن طلاب مراجعه نمایند.
تلفن: ۳۵۲۱۰۷۶۵
۹۵۲۳۱۶۱۷/ ف